نگاهی تاریخی و دینی به عید نوروز

انقلاب به احسن حال

■ امیرعلی جهاندار ■

اشاره: دستگاه فرهنگی و تبلیغاتی دولت پهلوی زیر نظر فرح دیبا تلاش بسیاری داشت تا دوگانه «ایرانیت» و «اسلامیت» را در کشور ریشه‌دار کند و فرهنگ ایرانی را مجزا از فرهنگ اسلامی قرار دهد، و در این مسیر از هر ابزاری استفاده می‌کرد؛ یکی از مهم‌ترین مقاطعی که این نگاه فعال می‌شد، جشن‌ها و اعیاد باستانی ایران از جمله «نوروز» بود که پهلوی‌ها تلاش داشتند آن را صرفا یک همایش ایرانی و منافی دین نشان دهند و بعد از انقلاب نیز همین جریان از طریق ماهواره‌ها این مسیر را ادامه داد.

■ تلاش برای جدایی ایران و اسلام در زمان پهلوی

جداسازی اسلام از ایران یکی از دستورکارهای اصلی غربگرایان بعد از مشروطه و در زمان مدرنیزاسیون بود که به شکل‌های مختلف ظهور و بروز داشت اما آنچه بیش از همه به این مساله شتاب می‌بخشید تلاش حکومت سلطنتی و نفرات اول آن برای تحقق این امر بود. «تاج‌الملوک آیرملو» (همسر اول رضاشاه) در خاطرات خود راجع به برخی ویژگی‌های رضاخان می‌گوید: «رضا اوایل تظاهر به دینداری می‌کرد، اما بعدها از دین و مذهب اسلام رویگردان شد و می‌گفت اسلام دین اعراب بادیه‌نشین است، چه دخلی دارد به ایرانی‌ها؟!»

«شاهپور غلامرضا پهلوی» نیز درباره رضاخان می‌گوید: «پدرم می‌گفت اسلام دین عرب‌های وحشی است و ربطی به ایرانیان ندارد و تا وقتی ایرانی‌ها دست از اسلام برندارند، تحت قیمومیت اعراب قرار دارند و اگر ما می‌خواهیم از اثرات و آلودگی حمله اعراب خود را پاک کنیم، باید از دین آنها دست برداریم... این حرف‌ها را افرادی مانند [محمدعلی] فروغی و [احمد] کسروی به پدرم آموزش می‌دادند».

«محمدرضا پهلوی» نیز همچون پدرش تلاش بسیاری کرد تا اسلام را در این کشور نابود کند و حکومتی غیرمذهبی را بر مردم مسلمان ایران تحمیل کند. «فرح پهلوی» درباره شوهرش (محمدرضا) چنین می‌گوید: «محمدرضا می‌گفت من هیچ اعتقادی به اسلام ندارم. اسلام دین اعراب بدوی است. بنا بر این وقتی چیزی را قبول ندارم، چرا باید به دروغ خود را طرفدار آن نشان بدهم؟» فرح در جای دیگر می‌گوید: «وقتی تاریخ ایران از تاریخ هجری‌شمسی به تاریخ شاهنشاهی تغییر داده شد، محمدرضا نفس راحتی کشید و گفت خوشبختانه موفق شدیم تاریخ اعراب وحشی و بیابانگرد را به زباله‌دان تاریخ بیندازیم و امیدوارم یک روز از دست دین آنها هم راحت شویم. همسر فقیدم، آدم روشنفکر و دانایی بود و به هیچ‌وجه خرافات و باورهای مذهبی را قبول نداشت. او با بسیاری از اعتقادات دینی مخالف بود و آنها را ساخته ذهن بیمار بشر می‌دانست. بویژه با اعتقادات شیعه مخالف بود اما نمی‌توانست در برابر آن موضع‌گیری کند زیرا از بازی‌های جالب تاریخ این بود که یک نفر آدم بی‌اعتقاد به مبانی اسلام و مذهب شیعه، حالا پادشاه تنها کشور شیعه جهان بود! هویدا بارها و بارها محمدرضا را تشویق کرد تا بنیان‌های مذهبی اسلام را در ایران سست کند و معتقد بود اسلام، دین تازیان است و ایرانیان نباید از دین تازیان پیروی کنند».

فرح در جای دیگری به مجری رادیوی ۲۴ ساعته لس‌آنجلس گفت: «شاه اعتقادات مذهبی نداشت و بویژه در این سال‌های آخر حکومتش که مرتب مورد مدح و چاپلوسی قرار می‌گرفت، بشدت بی‌دین شده بود و حتی بدش نمی‌آمد که توصیه هویدا مبنی بر لغو رسمی بودن دین اسلام در کشور و ترویج فرقه بهائیت را به کار بندد، اما از مردم بشدت می‌ترسید و وحشت داشت که مردم علیه او دست به شورش بزنند. به همین خاطر از هویدا خواست تا در خفا وسیله رشد بهائیان را فراهم کند اما به‌طور رسمی و علنی در این‌باره صحبتی نکند و حتی موضوع بهائی بودن خودش را هم پنهان نگه دارد».

و در این بین بیش از همه فرح دیبا بود که با فعالیت‌های فرهنگی در دستگاه عریض و طویل فرهنگی زیرمجموعه‌اش به شکاف بین اسلام و ایران می‌پرداخت اما همه این اقدامات از سوی دولت پهلوی کارساز نبود و همچنان مردم این پیوند بین مراسم ایرانی و اسلامی بویژه نوروز را حفظ می‌کردند. حال این سوالی اساسی است که قرابتی بین نوروز و مناسبات دینی ما وجود دارد؟

■ نوروز تلفیق اسلام و ایران

ظهور اسلام و برخورد مسالمت‌آمیز آن با سایر ادیان و آیین‌ها از جمله اعتقادات مذهبی و ملی ایرانیان موجب شد که مراسم و آداب مربوطه، به یکباره از جامعه اسلامی ایران رخت برنبندد، فقط با مسلمان شدن تدریجی ایرانیان از وسعت آنها کاسته شد. طی گذشت ایام، زمانی که برخی از سنت‌ها و آداب در تضاد آشکار با اعتقادات و رسوم گذشته قرار می‌گرفت ایرانیان می‌کوشیدند سنت کهن ملی را در قالب سنن اسلامی بازیابند و به عبارت روشن‌تر سنت‌های ملی ایرانی را با سنت‌های اسلامی درآمیختند.

در اسلام و بویژه آیین تشیع به نوروز به عنوان روزی خجسته نگریسته شده و بر گرامی داشتن آن تأکید شده است. از دیدگاه شیعه، نوروز روز ظهور امام زمان(عج) است.

■ آب می‌پاشیم چون خدا در نوروز باران را بر مردگان بارانید و آنان را زنده کرد

مورخان تاریخی درباره مواجهه پیامبر اکرم با نوروز آورده‌اند که در زمان حضرت رسول(ص) در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر(ص) هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند که امروز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند: عید بزرگ ایرانیان. فرمود: «آری! در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را فرمود که به آنان ببارند». از این رو است که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت کاش هر روزی بر ما نوروز بود.

همچنین گفته‌اند: در عصر خلافت امیرمومنان علی(ع)، مجوسیان چند ظرف نقره که در آن شکر ریخته بودند، در نوروز به آن حضرت هدیه کردند، آن حضرت هدیه آنها را پذیرفت و شکرها را بین یاران خود تقسیم کرد، و آن ظروف را به عنوان جزیه (مالیات سرانه آنها) قبول کرد. بنابر همان روایت امام صادق(ع)، حادثه شگفت زنده‌شدن هزاران نفر از بنی‌اسرائیل قبل از اسلام- به فرمان خدا که در آیه ۲۴۳ بقره به آن اشاره شده است- در نوروز رخ داده است.

■ نوروز، انقلاب به احسن حال

شاید مهم‌ترین مصداق نوروز همان حدیث معروف امیرالمومنین(ع) باشد که می‌فرمایند: «کُلُّ یَومٍ لا یُعصَی اللهُ فیهِ فَهُوَ یَومُ عیدٍ»؛ «هر روزی که در آن گناه نشود همان روز، روز عید است» و این میسر نمی‌شود مگر آنکه هر روز انسان بهتر از روز قبلش باشد و به تعبیری عبور از وضع موجود به وضع مطلوب باشد. تغییر دایمی و همواره در حال شدن بودن و انقلاب درونی و بیرونی مهم‌ترین ویژگی عید است و نوروز به واسطه آنکه فرصتی را مهیا می‌کند که انسان‌ها قدم‌های بزرگ و تغییرات کلان خود را در آن به انجام برسانند حائز اهمیت است. این مساله را می‌توان به وضوح در دعای تحویل سال مشاهده کرد: «یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ یَا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ یَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَی أَحْسَنِ الْحَالِ» علامه محمدتقی جعفری در تفسیر این دعا چنین می‌فرمایند:

«یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ»

قلب و بصیرت قلبی، از مؤلفه‌های مهم معنوی در مسیر کمال انسان است که در قرآن کریم و روایات ناب اسلامی تأکید بسیاری بر آن شده است. قلب سرچشمه تمام جوشش‌ها و خیزش‌های وجود آدمی است.

«یَا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ»

انسان به تصریح قرآنی «إنی جاعل فی الارض خلیفه»، جانشین خدا روی زمین است و این شایستگی را دارد که مرآت تمام‌نمای ربوبی و مجلای ظهور و بروز اسما و صفات الهی شود. یکی از اسمای حق تعالی «مدبر» است که پروردگار عالمیان به وسیله آن، به تدبیر روز و شب یا تدبیر نظام زمین و آسمان و به طور کلی، نظام خلقت می‌پردازد. انسان نیز باید خویشتن را متخلق به اخلاق الهی کند و تدبیرگر روز و شب خویش باشد.

«یَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَی أَحْسَنِ الْحَالِ»

«حول» در دعای عید نوروز، به معنای «سال» است و «احوال» جمع حال، به معنای طبیعت و ضمیر یا تغییر و دگرگونی وضعیت انسان است. از این رو، خداوند تغییردهنده سال یا دگرگون‌کننده طبیعت مربوط به مخلوقات است و این صیرورت و تحول در مسیر رشد و کمال موجودات، لازمه امر زندگی و حیات است. در این دعای شریف از درگاه ربوبی می‌خواهیم که طبیعت وجود ما را به بهترین و نیکوترین طبیعت‌ها تبدیل کند و این تغییر باطنی یا ظاهری وجودی ما را همسو با تغییر و دگرگونی طبیعت ظاهری، در مسیر شکوفایی و بالندگی قرار دهد.

«یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال». عید از عود گرفته شده و در لغت به معنای بازگشتن است. دگرگونی سال جدید و بازگشت بهار نو و نوروز، عیدهایی چون عید فطر را تداعی می‌کند. مسلمان روزه‌دار پس از یک ماه عبادت روزی را که غبار از فطرت توحیدی‌اش زدوده شده به فطرت توحید بازگشته است، عید می‌گیرد. البته مراتب این بازگشت در افراد گوناگون فرق می‌کند. دعای تحویل سال هم با جملاتی کوتاه همین مسیر را پیش پای انسان می‌گشاید. «مقلب القلوب و الابصار» پروردگار است که قلب‌ها را به سمت کمال دگرگون می‌سازد و چشم‌ها را به سوی خود می‌دوزد. قلب‌ها چون کرات دگرگون می‌شوند؛ ولی پس از دگرگونی، باید استواری یابند؛ زیرا در ادعیه وارد شده است: «و ثبت قلوبنا علی دینک؛ قلب‌های ما را بر دین خود ثابت بدار». اگر قلوب دگرگون شدند و سپس بر دین الهی استوار گردیدند، ابصار نیز چنین می‌شوند؛ زیرا ابصار فرمانبردار قلوبند. شاید از این رو اول قلوب و سپس ابصار ذکر شده است. «یا مدبر اللیل و نهار» لیل و نهار نماد ظلمت و نورند. اگر او شب و روز را تدبیر می‌کند، ظلمت و نور را هم می‌آفریند. پس فقط او می‌تواند چنان تدبیر کند که پرده ظلمت از روی دل کنار رود و نور معرفتش بر آینه قلب بتابد. در آیه ۲۵۷ سوره بقره می‌فرماید: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و...: خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌برد». محول سال و حال او است. قرین بودن تحویل سال با تحویل حال نکته‌ای در خور اهمیت است که کمتر به آن التفات می‌شود. آنقدر که تحویل سال و رسوم آن خودنمایی می‌کند، تحویل حال جلوه‌ای ندارد و در پشت پرده غفلت هیچ انگاشته شده است؛ راستی چرا در این دعای پرمعنا و تنبه‌بخش، به هنگام تحویل سال، تحویل حال به احسن حال درخواست می‌شود؟ به نظر می‌رسد، برای آن است که ابتدا احسن‌الحال را بفهمیم و سپس در راه تحقق آن گام نهیم؟ تفسیر این احسن‌الحال را باید در عمق آن دعا یافت که، «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک؛ خدایا، بدی حال ما را به خوبی حال خود تغییر ده». درباره ذات اقدس الهی، احسن بودن حال بی‌معنا است؛ زیرا تفضیل حالی بر حال دیگر، فقدان و وجدان و تبدیل و تبدل می‌طلبد و ذات اقدس الهی از آن پیراسته است. برتری حالی بر حال دیگر درباره ما انسان‌ها کاملا درست می‌نماید. کمال ما انسان‌ها در همین است که سوءحال را به حسن حال و حسن حال را به احسن حال تبدیل کنیم. حسن حال الهی به معنای وجود تمام کمالات به نحو اتم و اکمل در ذات اقدس الهی است. احسن الحال بودن برای ما یعنی رسیدن به تمام آن کمالات به قدر ظرفیت وجودی‌مان؛ زیرا ما حالی احسن و برتر از آن نداریم. تحویل حال به احسن‌الحال همان تغییر سوءحال انسان به حسن حال الهی است؛ و این تغییر وقتی تحقق می‌یابد که:

۱- از پلیدی گناه رهایی یابیم، زیرا بدترین حال انسان و پست‌ترین مقام آدم هنگامی است که در باتلاق گناه فرو می‌رود.

۲- انجام واجبات را چون چراغی فرا راه خود قرار دهیم تا ما را به سوی حسن حال الهی رهنمون شود.

۳- زنگار صفات پلید را از آینه دل بزداییم تا سوء حال ما به حسن حال نگار تبدیل شود. از این رو، یکی از اعمال عید نوروز، روزه گرفتن است تا انسان خود را در راستای رسیدن به احسن حال، یعنی وصول به حسن حال الهی، قرار دهد و به اخلاق الله متخلق سازد.

قطعا کسانی بیش از دیگران این نوروز را درک می‌کنند که جنس انقلابی داشته باشند و متوقف به زمان و مکان و آلودگی‌های دنیوی و تفکرات مادی آن نشده باشند.

■ روایات شیعیان در بزرگداشت نوروز

احترام نوروز در اسلام هر چند که به مذهب شیعه منحصر نیست، اما چنان در میان شیعیان فراگیر است که حتی روایاتی از امامان شیعه در بزرگداشت نوروز نقل شده است. در کتاب «بحارالانوار» علامه مجلسی درباره نوروز روایات متعددی وجود دارد؛ در جلد ۵۹ بیش از ۴۵ صفحه به نقل از امام صادق نقل شده است که معلی بن خنیس گفت: روز نوروز بر حضرت جعفر بن محمد صادق(ع) در آمدم، گفت: آیا این روز را می‌شناسی؟ گفتم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می‌دارند و به یکدیگر هدیه می‌دهند. پس حضرت صادق گفت سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برایت بازگو می‌کنم تا آن را دریابی. به معلی بن خنیس فرمودند: «ای معلی! همانا نوروز روزی است که پروردگار جهان از بندگانش پیمان گرفت که او را پرستش کنند، به او شرک نورزند و به پیامبران و امامان ایمان بیاورند، نوروز اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و بادهای ناگهانی وزیدن گرفت و ستاره زمین در چنین روزی ایجاد شد، روزی است که علی(ع) در نهروان پیروز شد و گل‌های زمین در آن روز خلق شد، در چنین روزی کشتی نوح بر کوه جودی نشست، همان روزی که جبرئیل بر پیامبر نازل شد، همان روزی که ابراهیم(ع) بت‌ها را شکست، روزی که پیامبر(ص)، علی(ع) را بر دوش خود حمل کرد تا بت‌های قریش را سرنگون کند. همان روزی است که خداوند به یاران خود فرمود با علی(ع) به عنوان امیر المومنین بیعت کنند. همان روزی است که قائم آل محمد(عج) و اولیای امر در آن ظهور می‌کنند و همان روزی است که قائم(عج) بر دجال پیروز می‌شود و او را در کنار کوفه بر دار می‌کشد و هیچ نوروزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست». و فرمودند: «یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل از خداوند پرسید چگونه مردمانی را که خارج شدند، زنده می‌کند. خداوند بدو وحی کرد که در نوروز، آب بر قبر آنان بپاشد و آن، اولین روز سال فارسیان است و آنها زنده شدند، در حالی که ۳۰ هزار نفر بودند.» از همین جا پاشیدن آب در نوروز، سنت شده است.

علامه مجلسی در «السماءوالعالم» از امام صادق علیه‌السلام نیز حدیثی را بدین مضمون نقل می‌کند: «در آغاز فروردین، آدم آفریده شد و آن روز فرخنده‌ای است برای طلب حاجت‌ها و برآورده شدن آرزوها و دیدار پادشاهان و کسب دانش و زناشویی و مسافرت و داد و ستد. در آن روز خجسته بیماران بهبودی می‌یابند و نوزادان به آسانی زاده می‌شوند و روزی‌ها فراوان می‌گردد». مجلسی در کتاب زادالمعاد گزارش می‌کند که در کتب غیر مشهوره روایت کرده‌اند در وقت تحویل سال این دعا را بسیار بخوانید: «یا مقلب‌القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال».

شیخ کلینی (م۳۲۹ق) در «الکافی» چنین روایت می‌کند: «ابراهیم کرخی می‌گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم که: شخصی مزرعه‌ای دارد. روز مهرگان یا نوروز، هدایایی به او داده می‌شود و قصد تقرب‌جستن به وی را ندارند [آیا بپذیرد؟]. فرمود: آیا نمازگزار هستند؟ گفتم: آری. فرمود: باید هدیه آنان را بپذیرد و تلافی کند. به درستی که رسول خدا فرمود: اگر برایم ران بُزی هدیه آورند، می پذیرم و این، جزو دینداری است و اگر کافر یا منافقی ران گاو یا گوسفندی برایم هدیه آورد، نخواهم پذیرفت و این هم جزو دینداری است. خداوند، خوراک و دستاورد مشرک و منافق را برای ما روا نداشته است». شیخ صدوق (م۳۸۱ق) در «کتاب من لایحضره الفقیه» آورده است که در روز نوروز به امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفته شد: الیوم النیروز. حضرت فرمودند: اصنعوا کل یوم نیروزا؛ هر روز را نوروز کنید. و نقل دیگر همان روایت آنکه حضرت فرمود: نیروزنا کل یوم. این همان روایتی است که در آن گفته شده در روز نوروز به آن حضرت، پالوده هدیه کردند و حضرت این پاسخ را دادند.

قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳) حدیثی درباره نوروز، در کتاب لب اللباب خود آورده است: عن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: ابدلکم بیومین یومین، بیوم النیروز و المهرجان، الفطر و الاضحی. ۲ روز را برای شما جانشین ۲ روز کردم. عید فطر و قربان را به‌جای عید نوروز و مهرگان قرار دادم.

مُحدث نوری (م۱۳۲۰ق) در «مستدرک الوسائل» به نقل از کتاب حسین بن همدان آورده است: مفضل، فرزند عمر از امام صادق(ع) نقل می‌کند که: خداوند بر حزقیل وحی فرستاد که: «این روز، روزی گرامی و بلند مرتبه نزد من است. با خود عهد کرده‌ام هر مؤمنی در این روز از من حاجتی بخواهد آن را برآورده سازم و آن روز، نوروز است».

ابن شهرآشوب (م۵۸۸ق) در کتاب «المناقب» روایت می‌کند: آورده‌اند که منصور به امام کاظم(ع) پیشنهاد کرد نوروز را برای تبریک و شاد باش و گرفتن هدایا جلوس کنند. امام کاظم(ع) در جواب فرمود: من در میان روایت‌های جدم رسول خدا(ص) جست‌وجو کردم و تأییدی برای این عید نیافتم. همانا این سنت فارسیان است که اسلام، آن را نابود ساخته است و پناه می‌برم به خدا که آنچه را اسلام نابود ساخته، زنده بدارم. منصور گفت: «این کار را جهت اداره نظامیان انجام می‌دهیم و شما را به خداوند سوگند می‌دهم که جلوس داشته باشید». آن گاه حضرت پذیرفت و فرمانروایان و لشکریان، برای تبریک آمدند و هدایایی با خود آوردند. خدمتگزار منصور، بالای سر حضرت ایستاده بود و هدایا را می‌شمرد. آخرین نفر، مردی کهنسال بود. به امام کاظم(ع) گفت: «ای فرزند دختر پیامبر خدا! من مردی تهی‌دستم و مالی ندارم تا هدیه دهم؛ ولی چند بیت شعر که جد من درباره جدتان حسین(ع) سروده، به شما هدیه می‌کنم». حضرت فرمود: «هدیه‌ات را پذیرفتم. بنشین. خداوند به تو برکت دهد!» آن گاه حضرت، سر بلند کرد و به خدمتگزار منصور گفت که نزد منصور روانه شود و این هدایا را برایش بازگو کند. خدمتگزار رفت و باز گشت و گفت منصور گفته است: «این هدایا از آن شماست. هرچه می‌خواهید با آنها انجام دهید». امام کاظم(ع) هم به پیرمرد فرمود: «این اموال را به عنوان هدیه برای خودت بردار».

البته روایاتی که در شأن نوروز، از امامان معصوم(ع) به ما رسیده، متعارض است یعنی بعضی از روایات، آن را ستوده‌اند و بعضی (مثل روایت امام کاظم(ع)) آن را بازمانده دوران جاهلیت دانسته‌اند که اسلام آن را محو کرده است، ولی بعد از کند و کاو همه‌جانبه می‌توان چنین نتیجه گرفت که: روایات در تایید و ستایش نوروز بیشتر از روایت یا روایات سرزنش‌گونه است و سیره علمای بزرگ و مراجع تقلید، در شأن نوروز، بیانگر آن است که نوروز، از روزهای برجسته و مبارک است، اما اطلاق عید برای چنین روزی، از دیدگاه اسلام پذیرفتنی نیست؛ چرا که در اسلام به طور رسمی ۴ روز عید است: عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روز جمعه.

در کتاب «مفاتیح‌الجنان» که طی دهه‌های گذشته یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌های مورد رجوع عموم برای انجام مستحبات مذهبی بوده به نماز عید نوروز اشاره شده که نمازی است توأم با قرائت سوره حمد و سوره‌های قدر، کافرون، توحید، فلق و ناس و بسیار شبیه به نمازی است که ضمن آداب و اعمال روز جمعه و روز عید غدیر خم وارد شده است.

روایت خنیس به نقل از امام صادق علیه‌السلام در مفاتیح‌الجنان چنین است که فرمودند: چون نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را معطر گردان پس چون از نمازهای پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شدی، ۴ رکعت نماز بگذار یعنی هر رکعت به یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ۱۰ مرتبه «اناانزلنا» و در رکعت دوم بعد از حمد ۱۰ مرتبه سوره «قل یا ایهاالکافرون» و در رکعت سوم بعد از حمد ۱۰ مرتبه «قل اعوذ برب‌الناس و قل اعوذ برب الفلق» را بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا را بخوان.

دعای ویژه عید نوروز، با درود و صلوات بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله او و اوصیا و همه انبیا و رسولان آغاز می‌شود آنگاه با فرستادن درود بر ارواح و اجساد ایشان ادامه می‌یابد. در این دعا آمده است: (هذا الذی فضله و کرمته و شرفته و عظمت خطره) این فراز با اندکی جابه‌جایی در کلمات در دعای ویژه ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن نیز آمده است. فراز پایانی دعای مخصوص عید نوروز: (اللهم... ما فقدت من شی فلا تفقدنی عونک علیه حتی لا اتکلف مالا احتاج الیه یا ذالجلال و الاکرام) از آن جهت که در آن سخن از گم شدن و گمشده‌ها به میان می‌آید بیش از اندازه قابل توجه است زیرا، چنانکه نقل شده است عید نوروز همان روزی است که حضرت سلیمان علیه‌السلام انگشتری خویش را پس از مدتی پیدا کرده است.

با توجه به اینکه عباسیان بیش از ۵ سده نفوذ سیاسی و دینی خود را در جهان اسلام - با فراز و نشیب بسیار - حفظ کردند، می‌توان دریافت که بزرگداشت نوروز از سوی خلفای این سلسله تا چه حد در استمرار و گسترش آن تأثیرگذار بوده است. به شهادت تاریخ، در دستگاه خلافت عباسی نوروز عظمتی خاص داشت. برگزاری جشن نوروز در دوره صفویه بویژه با نگاه به احادیثی که محدثین بزرگ این دوره همچون علامه مجلسی درباره نوروز نقل کرده‌اند، قابل ارزیابی است. از این گذشته بزرگ‌ترین نماد آیین نوروز که «هفت‌سین» است، فلسفه‌ای باستانی و اسلامی دارد. محمد علی دادخواه در پژوهشی که با عنوان «نوروز و فلسفه هفت سین» به نگارش درآورده، در این باره می‌نویسد: «عدد ۷ برگزیده و مقدس است. در سفره نوروزی انتخاب این عدد بسیار قابل توجه است. ایرانیان باستان این عدد را با هفت امشاسپند یا هفت جاودانه مقدس ارتباط می‌دادند. در نجوم عدد هفت، خانه آرزوهاست و رسیدن به امیدها را در خانه هفتم نوید می‌دهند. علامه مجلسی می‌فرماید: آسمان هفت طبقه و زمین هفت طبقه است و هفت ملک یا فرشته موکل برآنند و اگر موقع تحویل سال، ۷ آیه از قرآن مجید را که با حرف سین شروع می‌شود بخوانند آنان را از آفات زمینی و آسمانی محفوظ می‌دارند». همچنین تقدس دینی لحظه تحویل سال چنان در نظر مردمان پر رنگ است که در شهرهای مقدس مردم به امامزاده‌ها و اماکن متبرکه می‌روند.

■ آداب اسلامی در هنگامه نوروز

پس از ظهور اسلام و گسترش آن به ایران‌زمین با توجه به کتب فقها و متون سنت از آداب نوروز در اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- غسل نوروز: «اذا کان یوم النیروز فاغتسل...» وقتی نوروز شد غسل کن. طبق این حدیث غسل کردن از آداب نوروز محسوب می‌شود.

۲- هدیه نوروز: هدیه دادن در نوروز از قدیم‌الایام مرسوم بوده است. در اسلام نیز این رسم با همان کیفیت تایید شده است. یعنی رسم هدیه دادن به‌طور کلی مورد پذیرش واقع شده است، در برخی از موارد حتی معصومین سفارش داده بودند که به یکدیگر هدیه دهید.

۳- دید و بازدید: «... تهادو و تواصلو فی الله» به‌خاطر خدا به یکدیگر هدیه داده و صله‌رحم کنید. دید و بازدید و تبریک نوروزی به عنوان یکی از آداب نوروز برشمرده شده است با توجه به آن اسلام این رسم پسندیده را در نوروز تایید کرده، هرچند در ایام دیگر سال واجب است و معنای آن این است که در همه احوال صله‌رحم واجب بوده اما در نوروز این وجوب تأکید بیشتری داشته.

۴ و ۵- لباس تمیز پوشیدن و معطر شدن: «قال: اذا کان یوم النیروز فاغتسل و البس انظف ثیابک و تطیب باطیب طیبک...» وقتی نوروز شد غسل کن و بهترین و پاکیزه‌ترین لباسهایت را بپوش و با بهترین عطرها خود را خوشبو ساز.

۶- روزه گرفتن: «اذا کان یوم النیروز... و تکون ذلک الیوم صائما.» وقتی نوروز شد در آن روز روزه باش. به موجب این حدیث روزه گرفتن از آداب نوروز است، فقها نیز در باب روزه‌های استحبابی روزه اول نوروز را مستحب دانسته‌اند.

۷- نماز عید: «اذا کان یوم النیروز... فاذا صلیت النوافل الظهر والعصر فصل بعد ذلک اربع رکعات تقرأ...»

طی گذشت ایام، زمانی که برخی از سنت‌ها و آداب در تضاد آشکار با اعتقادات و رسوم گذشته قرار می‌گرفت ایرانیان می‌کوشیدند سنت کهن ملی را در قالب سنن اسلامی بازیابند و به عبارت روشن‌تر سنت‌های ملی ایرانی را با سنت‌های اسلامی درآمیختند. در اسلام و بویژه آیین تشیع به نوروز به عنوان روزی خجسته نگریسته شده و بر گرامی داشتن آن تأکید شده است

کمال ما انسان‌ها در همین است که سوءحال را به حسن حال و حسن حال را به احسن حال تبدیل کنیم. حسن حال الهی به معنای وجود تمام کمالات به نحو اتم و اکمل در ذات اقدس الهی است. احسن‌الحال بودن برای ما یعنی رسیدن به تمام آن کمالات به قدر ظرفیت وجودی‌مان؛ زیرا ما حالی احسن و برتر از آن نداریم. تحویل حال به احسن‌الحال همان تغییر سوءحال انسان به حسن حال الهی است